FAMILIARIZING NEW STUDENTS WITH THE UNIVERSITY AND STUDY SKILLS: ONE-DAY WORKSHOP FOR MEDICAL STUDENTS IN THEIR FIRST SEMESTER

Authors: Sepanjnia Kh; Haddadgar A; Tamizifar B; Zolfaghari B; and Nasri P

Introduction: It is essential to familiarize students with the university environment and let them reach to a level of attitude, knowledge and skill to be able to function actively in a student-centered manner. A workshop was designed for new medical students, in collaboration with senior students and office of vice-chancellor for education. The workshop was held during the third month of studying medicine in the January ۱۹۹۸.

Methods: The program contained: introduction to medicine courses, different approaches to studying medicine including basic sciences, introduction to university and academic organization, methods of using library and scientific sources, interrelationship with senior student, strengthening responsibility moods. The workshop consisted of teamwork and general discussion sessions. Also, they were asked to answer the question that how should they attempt to become an informed and successful physician in the future.

Results: Over ۹۰ percent of participants were satisfied with their attendance in the workshop. Also, they demanded the continuation of running such workshops in different stages of their study years. The students estimated now –a-day medical education far from acceptable and optimal situation.

Conclusions: It seems that assessing and meeting and meeting student's needs, especially in the first year of their study is very essential. Also, trying to find the causes of gradual frustration of medical students requires organized action by the educational authorities. Students themselves are considered as a strong, open minded and creative source of knowledge for solving their own problems. Performing such workshop by itself met some needs of medical students.

Key Words: Student-Medicine-Orientation to University-Study Skills

Address: Sepanjnia Khatereh, Unit of Educational Revisions, EDC, Isfahan University of Medical Sciences and Health Services, Isfahan, Iran

Source: Iranian Journal of Medical Education ۲۰۰۰ ۱(۱): ۲۹-۳۳

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-01]

آشنايي با دانشگاه و مهارتهاي دانشجويي
كارگاهي يك روزه براي دانشجويان ترم يك پزشكي

خاطره سپنج‌نيا؛ آرش حدادگر؛ بنفشه تميزي‌فر؛ بهزاد ذوالفقاري؛ پيمان نصري

چكيده مقاله

مقدمه. آشنايي دانشجويان با محيط دانشگاه و رسيدن آنها به سطحي از «نگرش»، «دانش» و «مهارت» به گونه‌اي كه از ابتداي تحصيلات دانشگاهي قادر به كاركردهاي فعال و دانشجو محور باشند، ضروري به نظر مي‌رسيد. كارگاه آموزش مهارتهاي دانشجويي در سومين ماه تحصيل دانشجويان پزشكي ورودي بهمن ۷۷ با همكاري معاونت آموزشي و دانشجويان سالهاي بالاتر برگزار گرديد.

روشها. محتواي كلي برنامه شامل: آشنايي با دوره هاي پزشكي، رويكردهاي مختلف به مطالعة دروس پزشكي، آشنايي كلي با تشكيلات علمي – اجرايي در دانشگاه، يادگيري روش صحيح استفاده از كتابخانه‌ها و بهره گيري از ساير مكانهاي آموزشي و ... و روش اجرا به صورت كار گروهي و بحث عمومي بود و براي ارزشيابي كارگاه، پرسشنامه‌هايي پس از تأييد روايي ظاهري و محتوايي طراحي و در قسمتهاي مختلف برنامه به دانشجويان داده شد.

يافته ها. نتايج به دست آمده نشان مي‌دهد كه بيش از ۹۰ درصد دانشجويان از شركت در كارگاه رضايت داشتند. همچنين نياز به تكرار آن در دوره‌هاي بعد، برگزاري كارگاههايي متناسب با سالهاي بعد براي همين دانشجويان، مورد تأكيد آنها قرار گرفت. شرايط فعلي حرفة پزشكي و همچنين آموزش پزشكي از ديدگاه دانشجويان با حالت مطلوب فاصله داشت.

بحث. به نظر مي رسد سنجش نيازهاي دانشجويان، به خصوص دانشجويان ترمهاي پايين‌تر، برآورده نمودن اين نيازها و ريشه‌يابي و رفع علل بي‌تفاوتي تدريجي در طول سالیان تحصيل، امريست كه همكاري وسيع و جدي مسؤولين را با دانشجويان به صورت سازمان يافته مي‌طلبد.

واژه‌هاي اصلي. دانشجوي پزشكي؛ دورة توجيهي ورود به دانشگاه.

مقدمه

ساختار متفاوت نظام آموزش ابتدايي و متوسطه با نظام آموزش عالي، رويكرد متفاوتي را براي يادگيري دانش و مهارتها در محيط دانشگاه مي‌طلبد.

آشنا نبودن دانش آموزاني كه براي تحصيل در رشتة پزشكي با عنوان دانشجويان پزشكي وارد دانشگاه شده‌اند با رشتة مورد نظرشان، وجود منابع علمي به زبان انگليسي، تفاوت امكانات آموزشي دبيرستانها و دانشگاهها، تفاوت حجم اطلاعات و نيز انتظا كارآيي متفاوت از دانش آموختگان دو رده و به تبع آن نياز به روشهاي يادگيري متفاوت در دبيرستان و دانشگاه، مجموعاً دانشجويان را در بدو ورود با مشكلاتي روبه رو مي‌كند و منجربه ايجاد وقفه اي بين زمان ورود دانشجو به دانشگاه و زمان فعالانه عمل كردن در نظام آموزشي مي گردد كه شايد بتوان آن را دوره «بهت» ناميد.

آشنايي با دانشگاه و مهارتهاي دانشجويي

روشها

به نظر مي‌رسد اگر دانشجويان تازه وارد، آموزشها و آماده‌سازيهاي متناسب با محيط جديد را دريافت دارند (Orientation)، زودتر مي‌توانند وضعيت خود را در محيط دانشگاه درك كنند و نگرشها و تواناييهايشان را متناسب با آن گسترش بخشند كه در نتيجه اين وقفة زماني كوتاه‌تر خواهد شد.

گاه از چنين برنامه هايي به عنوان «حلقه‌اي حياتي» (Vital link) در فرايند پيوند ميان دبيرستان و دانشگاه ياد مي‌شود (۱).

به منظور دست‌يابي به اين هدف، با همكاري دانشجويان سالهاي بالاتر، معاونت آموزشي دانشكده پزشكي و مركز توسعه آموزش پزشكي كارگاه آموزشي مهارتهاي دانشجويي طراحي و اجرا گرديد.

آدرس: خاطره سپنج‌نيا، مديريت مطالعات و توسعه آموزش پزشكي، دانشگاه علوم پزشكي و خدمات بهداشتي – درماني استان اصفهان، تلفن ۷۹۲۲۹۸٤ - ۰۳۱۱

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-01]

در فـروردين ۱۳۷۸ از كليـه دانـشجويان پزشـكي ورودي بهمن ۷۷ براي شركت در كارگاه دعوت دعوت به عمل آمـد كه از ۱۵۰ دانشجوي تـرم اول، ۸۲ نفـر ثبـت‌نـام نمودنـد و پنجاه و دو نفر در كارگاه شركت كردند.

كارگاه يك روزه بـود و برنامـه‌هـاي صـبح عمـدتاً اهـداف نگرشي و برنامه‌هاي بعـدازظهر اهـداف مهـارتي و دانـشي را پوشش مي‌داد.

در ابتداي مباحث، دوره‌هـاي آمـوزش پزشـكي و مقـررات نظام آموزشي به مدت نيم ساعت و به صورت سخنراني ارائه گرديد. برنامه بعد، يادگيري روش كار گروهي بود كـه قالـب Small group discussion براي آن انتخاب گرديـد. در اين برنامه كلياتي راجع به شيوة كـار در گروههـاي كوچـك بيان شد. سپس دانشجويان به هفت گروه تقسيم شـدند كـه در هر گروه دو نفـر از دانـشجويان سـالهاي بـالاتر گروهيـار (Facilitator) بودند.

در هر كار گروهي يك سؤال مطرح گرديد و خواسته شـد كه پس از بحث و تبادل نظر، نتيجـة مـورد توافـق در گـروه نوشته و ارائه شود.

اولين سؤال درمورد شرايط و توانمنديهاي علمي، فرهنگي، اجتماعي و اقتصادي پزشكان و مقايسه آن با واقعيت موجود بود. به عنوان مثال: «فكر مي‌كنيد پزشكان در حالت مطلوب چه تواناييهاي علمي بايد داشته باشند و اينكه به نظـر شـما پزشكان فعلي چه ميزاني از اين تواناييها را دارا هستند؟».

در كـارگروهي دوم دانـشجويان، بـه علـت‌يـابي نتـايج كارگروهي اول پرداختند. مثلاً به اين سؤال پاسخ دادنـد كـه «چرا در بعضي از موارد ذكر شده شرايط مطلوب و واقعيـات موجود تفاوت قابل توجهي دارنـد؟» و سـرانجام فهرسـتي از مشكلات و موانع را تهيه نمودند.

در قـسمت ديگـري از كـارگروهي دوم، از اعـضاي گـروه پرسيده شد كه «عملكرد هر كـدام از شـما بـه عنـوان يـك دانشجو چگونه بايد باشد تـا بتـوانيم بـه مـشكلات و موانـع ليست شده در سؤال دوم پاسخ دهـيم؟» و از آنهـا خواسـته شـد تـا در پايـان بحـث گروهـي فهرسـتي از راهكارهـاي پيشنهادي را ثبت نمايند.

در پايان هر كارگروهي، نتايج ثبت شـده توسـط برخـي از گروهها در جلسه عمومي و بـا حـضور همـه گروههـا ارائـه و بررسي گرديد.

در برنامه بعدازظهر، هر كدام از گروههاي كوچـك توسـط گروهيارهايـشان بـا انـواع كتـب انگليـسي مـورد اسـتفاده دانـشجويان، نظيـر: Essential, Reference, Text و Hand book آشنا شدند و عمـلاً بخـشهاي مختلـف يـك كتاب انگليـسي، از قبيـل: Chapter, Part, Contents, Index, Preface و Appendix را شناختند و كاركرد هر يك از اين قسمتها و نحـوه مراجعـه و بكـارگيري آنهـا را بـا استفاده از كتبي كه دراختيار اعضاي گروه بود، آموختند.

در ايـن كـارگروهي همچنـين رويكردهـاي مختلـف در بكارگيري كتاب و جزوه بـا اسـتفاده از تجـارب دانـشجويان سالهاي بالاتر بررسي گرديد. آخرين برنامة كارگاه، بحـث در جلسة عمومي بود كه با هدايت گروهياران موضـوعاتي نظيـر كاربرد علوم پايه در مسير پزشك شدن، رويكردهاي مختلف به آن و چگونگي استفادة بهتر از اين دوره به بحث و تبـادل نظر گذاشته شد.

همچنين به منظور آشـنايي دانـشجويان بـا دروس علـوم پايه، بروشوري كه حاوي معرفي اجمالي درسهاي علوم پايـه بود، به دانشجويان داده شد. بخش ديگري از برنامـة كارگـاه، بازديد هر كدام از گروهها از كتابخانه دانشكده بـود، در ايـن قـسمت شـركت‌كننـدگان بـا بخـشهاي مختلـف كتابخانـه، امكانات هر كدام و نحوه ارائه خدمات در كتابخانه آشنا شدند و چگونگي استفاده از كامپيوتر كتابخانه را ياد گرفتند.

ارزشيابي كارگاه در چهارقسمت برگزار شد:

انتظارات دانشجويان از چنين كارگاهي به صورت سؤال باز و قبل از شروع برنامه‌هاي كارگاه پرسـيده شـد كـه چهـل و چهار نفر از شركت‌كنندگان بـه آن پاسـخ دادنـد و پاسـخها بـراي بررسـي كدبنـدي گرديـد. بـه منظـور بررسـي نظـر دانشجويان درمورد كارگروهي صبح، ارزشيابي از بحث علـوم پايه و همچنين كلّ كارگاه، سه پرسـشنامه در مقيـاس پـنج درجـه‌اي ليكـرت از «كـاملاً مـوافقم» تـا «كـاملاً مخـالفم» طراحي گرديد و روايي ظاهري و محتوايي آنهـا مـورد تأييـد قرار گرفت. تعداد دانشجوياني كه به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند به ترتيب ۵۰، ۳۶ و ۳۷ نفر از كل شركت‌كنندگان بود.

تجزيه و تحليل اطلاعات بـا اسـتفاده از نـرم‌افـزار SPSS انجام شد و نتايج بر مبناي ميانگين و انحراف معيـار بررسـي گرديد.

يافته‌ها

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-01]

يافته‌هاي ارزشيابي از كل كارگاه نشانگر آن بود كـه ٩٤/٦ درصد دانشجويان از شركت در اين كارگاه رضـايت داشـتند. همچنين ٩٤/٦ درصد آنها بيان كردند كه اگر در ابتداي ترم دوم، دوره مشابهي و مطابق با نيازهاي آن زمان برگزار شود، در آن شركت خواهند كـرد و ٩١/٨ درصـد، بـه دانـشجويان دوره‌هاي بعدي توصيه مي‌كردند كه در اين كارگـاه شـركت كنند.

٨٩/٢ درصد دانشجويان بهتر ياد گرفتن مهارتهـاي بحـث كردن را ضروري دانستند. درمـورد برخـورد برگزاركننـدگان دوره صددرصد آنها رضايت داشـتند و ٦٢/٣ درصـد، اجـراي دوره را طبق زمان تنظيم شده ندانستند.

در مباحث مربوط به علوم پايـه ٨٥/٧ درصـد دانـشجويان ايده‌هاي جديدي در ذهنشان شكل گرفته بود ولي در جريان بحث فرصت كافي براي فكر كردن درمـورد ايـن ايـده‌هـا را نداشتند.

درمورد انتظارات دانشجويان تازه وارد از چنين برنامه‌هايي ٩٧/٩ درصد خواستها و نيازهاي آنان مجموعاً بـه شـرح زيـر بود:

١- يـادگيري شـيوه‌هـاي موفقيـت در دانـشگاه، خـصوصاً آشنايي با روش استفاده از كتاب، روش درس خواندن و نحوة برخورد با زبان انگليسي (٣٩/٥٨ درصد).
٢- دانستن دربارة رشتة پزشكي و عمدتاً مـسايل آموزشـي (٣٠/٢ درصد).
٣- آشنايي با امكانات دانشگاهي به ويژه آشنايي با تحقيق و امكانات تحقيقاتي (٢٨/١٢ درصد).

درمـورد تغييـر رشـته، شـش درصـد دانـشجويان تمايـل داشتند به رشته ديگري بروند. ٨٣/٧ درصـد دانـشجويان بـا عبارت «همه مجموعه‌ها و امكانات دانشگاه بسيج شده‌اند تـا ما پزشك خوبي بشويم» مخالف بودند. ٩٦ درصد دانشجويان براي رسيدن به آرمانهايشان به تلاش بيـشتر و برنامـه‌ريـزي دقيق‌تري نياز داشتند. براسـاس نتـايج ثبـت شـدة كارهـاي گروهي، دانشجويان ويژگيهاي پزشـك ممتـاز، نظيـر: ارائـه مراقبتهاي بهداشتي در همه سطوح، ايجاد ارتباط و مديريت نظـام ارائـه خـدمات بهداشـتي را در حالـت مطلـوب بـراي پزشكان ضروري دانـستند امّـا در حالـت واقعـي، مهارتهـاي پزشكان را يك پنجم ميزان مطلوب برآورد نمودند و بر ايـن باور بودند كه فقط ١٠ درصد از پزشكان، فرهنـگ تحقيـق و پژوهش را دارند و تنها ١٠ درصد از پزشكان هدفشان كسب درآمد نيست.

بحث

بررسي خواسته‌هاي دانشجويان نشان مي‌دهد كه بـسياري از آنها (٩٧/٩ درصد) به دانستن اطلاعات دربارة رشته خـود، دانشگاه و روش تعامل با محيط نياز دارند.

اين سؤالها به نحو ديگري بازگو كنندة تفاوت نظام مدرسه و دانشگاه از ديدگاه يادگيرنده است كه نـسبت بـه آمـوختن طيـف گـسترده‌اي از مـسائل، ازجملـه: قـسمتهاي مختلـف دانشگاه و كار مسؤولان، شيوة تحقيـق، امكانـات دانـشگاه و نحوة استفاده از كتابهاي دانشگاهي احساس نياز مي‌كند.

اين تفاوت ساختار به چاره‌انديـشي‌هـاي گونـاگوني منجـر گشته است تا فرايند انتقال از دبيرستان به دانشگاه تـسهيل گـردد كـه از آن جملـه مـي تـوان بـه تـأليف كتبـي ماننـد College study skills (٢) و آموختن شيوه‌هاي موفقيت در دانشگاه، داشتن برنامه‌هاي طولاني مدت آماده‌سازي براي دانش‌آموزاني كه قرار است وارد دانشگاه شوند (٣)، برگـزاري شوراها و همايشهاي كشوري دربـاره پيونـد ميـان مدرسـه و دانشگاه (١)، ايجد مراكز مشاورة آموزشي و اجراي دوره‌هـاي معرفي دانشگاه براي دانشجويان سال اول (٤) اشاره كرد.

شايسته است در كشور ما نيز براي حـل مـشكل مـذكور، برگزاري مـنظم و مـستمر چنـين دوره‌هـايي را (بـا اهـداف آموزشي) سازماني در دانشگاه متقبل گردد.

از سوي ديگر ، اجراي چنين برنامه‌هايي نگرش مثبتـي را نسبت بـه مجموعـه‌هـاي دانـشگاهي، در دانـشجويان ايجـاد خواهد كرد. وقتي درصد زيـادي از شـركت‌كننـدگان (٨٣/٧ درصد) گمان نمـي‌كننـد كـه همـه مجموعـه‌هـا و امكانـات دانشگاهي بسيج شده‌اند تا آنها پزشك خـوبي شـوند، يعنـي متأسفانه ساختارهاي دانشگاهي ما از آغاز با نگرشي منفي از سوي دانشجويان مواجهند. اين اعتماد سـلب شـده بايـد بـه گونه‌اي عملي جلب گردد تـا بـه تبـع آن انگيـزه تعامـل بـا محيط هم در دانشجويان قوي‌تر گردد.

نتايج نشان مي‌دهد درصد بسيار كمي از شركت‌كننـدگان (٦ درصد) تمايل داشتند به رشته ديگري بروند. باتوجـه بـه آنكه شركت‌كنندگان در كارگاه حدوداً يك سوم دانـشجويان ترم را تشكيل مي‌دادند، مي‌توان نتيجـه گرفـت كـه حـداقل يك سوم ورودیها انگيزه كافي براي تحصيل در رشتة پزشكي را دارند و خواستار يادگيري هرچه بيشتر در محيط هـستند گو اينكه پس از مدت كوتاهي حضور در دانشگاه، نگرش آنان

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-01]

به سمت منفي جهت مـي‌يابـد و گرايشـشان بـه پـژوهش و مطالعات درسي و علمي كم مي‌شود(۵).

ازطرفي، همين دانشجويان تازه وارد كه نمونـه‌اي از افـراد جامعـه‌انـد، سـطح پـاييني از تواناييهـاي پزشـكي، فرهنـگ پژوهش و حتي ويژگيهاي اخلاقي را بـراي پزشـكان جامعـه متـصور هـستند (بـه ترتيـب ۲۰ درصـد، ۱۰ درصـد و ۱۰ درصد). از آنجا كه فقط دو مـاه از ورود ايـن دانـشجويان بـه دانشگاه مي‌گذرد و عملاً با پزشكان و نظام بيمارسـتان روبـه رو نشده اند، چنين بينشي نشان مي‌دهد كه جامعه از نحـوه كار پزشكان راضي نيست. به عبارت ديگر، فرآيند آموزشي – تربيتي پزشكان در دورة تحصيل، انتظارات جامعه را چنـدان برآورده نمي‌كنـد و بـازنگري ايـن فرآينـد ضـروري بـه نظـر مي‌رسد. به ويژه آنكه «دنيايي كه مؤسسات آموزشـي در آن سعي به اهتمام مسؤولانه دارند، دنيايي پوياست»(٦).

رضايت از كارگاه (٩٤/٦ درصد) و توصـيه بـه دانـشجويان دوره‌هاي بعد بـراي شـركت در ايـن كارگـاه (۹۱/۸ درصـد) مبين آن است كه در ايـن دوره تـا حـدودي نيازهـاي آنـان مرتفع گرديده اما از آنجا كه اين خواستها ماهيتي پويـا دارد، نبايد انتظار توقف آن را در نقطـه‌اي داشـته باشـيم چنانكـه ٩٤/٦ درصد از شركت كنندگان خواستار برگزاري دوره‌هـاي مشابهي و مطابق بـا نيازهـاي ترمهـاي بعـد بودنـد. بـه ايـن صورت، دانشجو، دانشگاه و رابطه ميان آنها در مسيري رشـد يابنده قرار مي گيرد.

در مجمـوع بـه نظـر مـي‌رسـد لازم اسـت سـاختارهاي دانشگاهي در ارتباط نزديكتري با دانشجويان قـرار گيرنـد و نيازها را به صورتي منسجم و مستمر ارزيابي نموده و درصدد ارائه پاسخ مناسب باشند.

باتوجه به آگاهي‌هاي دانـشجويان از نيازهايـشان، توانـايي آنها در علت‌يابي و رسيدن به راه حلهاي مؤثر بهتـر اسـت از خود دانشجويان هـم بـه عنـوان كـساني كـه مـي‌خواهنـد و مي‌توانند فرايند آموزش را بهبـود بخـشند، در برنامـه‌ريـزي، اجرا و ارزشيابي برنامه‌هاي اصلاحي آموزشي استفاده گردد.

در پايان براي سنجش اهداف بلندمدت اين كارگاه، نظيـر: فعالانه عمل كردن دانشجويان در محيط، مـسؤوليت‌پـذيري آنها و گام برداشتنشان در جهـت رسـيدن بـه توانمنـديهاي پزشك موفق، پيگيري شركت‌كنندگان و ارزيابي‌هـاي بعـدي آنها در سالهاي بعد پيشنهاد مي‌گردد.

قدرداني

از همـه گروهيـاران محتـرم و سـاير بزرگـواراني كـه بـا همفكري، همراهي و همكاري خود ما را دراجراي اين برنامه و نوشتن اين مقاله ياري نمودند، به ويژه آقاي دكتر شريفي، خانم دكتر چنگيز، آقاي نوعدوست و خانم اسـدي صـميمانه تشكر مي‌كنيم.

References

١- Kintzer FC. From high school to community college: A vital link in the articulation. Junior Coll Res Rev. ١٩٧٩; ٦(١٠): Abstract.

٢- Shepherd JF. College study skills. ٦th Ed. Boston: Houghton Mifflin. ١٩٩٨.

٣- Mazzuca L. The Scholl to college transition: A difficult journey. NASSP Bulletin. ١٩٨٣; ٦٧(٤٦٠): ١٩-٢١.

٤- Martenson D, Brattebft G. An introductory "Survival course" for first-year medical students: A brief account of the course. Med Edu. ١٩٩٢; ٢٦: ٣٤٠-٣٤٢.

۵- بقائي ع، اديبي پ، ثابت ب، انصاري ر. نتيجه يك سال حضور در دانشگاه، مجله پژوهش در علوم پزشكي. ۱۳۷۵؛ ۱(۳): ۲۷-۲۳.

٦- رخشان ف. طراحي و تحليل نظامهاي آموزشي. تبريز: انتشارات نيا، ۱۳۷۰.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-01]